

مسئولیت مدنی محصولات صنعتی ناقص در حقوق آمریکا

مقدمه :

ما در مقدمه ضمن تحدید بحث به ویژگی‌های سیستم حقوقی و قضایی آمریکا پرداخته آنگاه عوامل توسعه این رژیم را در آمریکا مورد بحث قرار می‌دهیم. البته، یاد آوری این نکته لازم است که محدوده مسئولیت مدنی محصولات صنعتی در آمریکا بسیار پیچیده است و ما فقط می‌توانیم در این مجال خطوط کلی رژیم مذکور را ترسیم نماییم. این پیچیدگی که محصول وجود ۵۰ قانون مختلف در خصوص مسئولیت مدنی محصولات ناقص است می‌رود که با دو پروژه قانونی تغییرات مهمی را متحمل گردد. اولین از این دو پروژه توسط مجلس نمایندگان در تاریخ ۱۰ مارس ۱۹۹۵ عرضه شده که حاوی فرم تازه‌ای در مورد مسئولیت مدنی بطور کلی می‌باشد. (Common sense Product Liability and reforme Act of 1995) و دیگری در تاریخ ۱۰ ماه مه ۱۹۹۵ توسط مجلس سنا پیشنهاد گردیده است که فقط در خصوص مسئولیت مدنی محصولات ناقص می‌باشد (Product Liability Fitness Act of 1995). به هر حال تا زمانی که این دو پروژه به تصویب نرسند، سیستم فعلی ملاک و مجری خواهد بود که ذیلاً^۱ به بررسی گرفته می‌شود.

موضوع بحث ما مسئولیت مدنی محصولات صنعتی از بابت ضرر و زبانی که به دلیل نقص خود به مال و یا جان دیگری وارد می‌سازند، می‌باشد. دانستن این رژیم حقوقی در آمریکا از این جهت حایز اهمیت است که زادگاه آن در آمریکا بوده و به تدریج در اثر توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی به سایر کشورها به خصوص کشورهای اروپایی سرایت کرده است. اصولاً این رژیم مولود تکنولوژی مدرن است که سطح آن در آمریکا بیش از هر کشور دیگر جهان ارتقاء یافته است لذا جزئیات راه‌حل‌های حقوقی و حالات مختلف و تنوع دعاوی مطروحه در آن کشور می‌تواند در تدوین قوانین مربوط به حمایت از مصرف‌کننده در سایر کشورها مفید باشد. مثلاً^۲ کشورهای جامعه مشترک اروپا در بخشنامه اروپایی ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ خود بیشترین بهره را از مسئولیت انحصاری (Strict Liability) آمریکا برده‌اند تا جایی که گفته می‌شود متخصصین حقوق آمریکا حضوراً اروپاییان را در تدوین آن یاری کرده‌اند. ما در این مقاله تنها به مسئولیت انحصاری اکتفا نخواهیم کرد چرا که دو سیستم سنتی موجود نیز یعنی مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی نیز بطور موازی می‌توانند مبنای مسئولیت سازندگان محصولات ناقص قرار گیرند لذا در آمریکا دعاوی مبتنی بر مسئولیت سازندگان سه مبنای متفاوت دارد که یکی از آنها مسئولیت انحصاری است و دلیل ویژگی‌های منحصر بفردش از دو نوع دیگر ممتاز می‌گردد.

برای مسئولیت انحصاری دو جایگاه عمده می‌توان یافت: یکی در قسمت حقوق قراردادهای و دیگری در قسمت مسئولیت مدنی لذا ویژگی دوگان‌اش موجب می‌گردد که آنرا در حقوق تعهدات بطور عمومی^۳ قرار دهیم. بر این ویژگی دو گانه برای اولین بار توسط پروسر (Prosser) تأکید شد که مسئولیت مدنی سازنده را با تمام آثار و احکامش مطرح نمود.

ما قبل از ورود به بحث اصلی لازم می‌دانیم ویژگی‌های سیستم حقوقی و قضایی آمریکا (قسمت اول) را مورد بررسی قرار داده تا بدانیم وقتی سخن از مسئولیت سازندگان در این کشور به میان می‌آوریم، منظورمان کدام حقوق است. آنگاه به عوامل توسعه این رژیم مسئولیتی (قسمت دوم) در آمریکا می‌پردازیم.

قسمت اول - ویژگی‌های سیستم حقوقی و قضایی آمریکا

۱- تا آنجا که نویسنده مطلع است قرار بود در ۳ ماهه اول سال ۱۹۹۷ این دو پروژه در مجلسین آمریکا به شور گذاشته شوند ولی تا زمان تقریر این مقاله (۲۷ فوروردین ماه ۱۳۷۶) خبری از به شور گذاشته شدن این پروژه‌ها واصل نگردیده است. نگاه کنید به منبع شماره ۱۶

۲- در فرانسه پروژه قانونی پیشنهادی به مجلس در این خصوص (پروژه مادام کاتالا ۱۹۹۳) قرار است در کتاب سوم کد سیویل بعد از قسمت "الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود" در تیتیر مستقلی تحت عنوان «ضمان قهری نقص امنیتی محصولات ناقص» بیاید.

همانطور که می‌دانیم سیستم حقوقی آمریکا برخلاف سیستم ایران و یا فرانسه از رویه واحدی متابعت نمی‌کند، دلایل این عدم اتحاد را می‌توان در دو علت اساسی خلاصه نمود: ۱- دلائلی که به ساختار کلی حقوق آمریکا مربوط می‌شود. ۲- دلایلی که به سیستم قضائی آن کشور مرتبط است.

۱- دلائلی که به ساختار کلی حقوق آمریکا مربوط می‌شود

دلائل دسته اول ریشه در استقلال اداری هر کدام از ایالات دارد که توسط قانون اساسی برای هر کدام از ایالات شناخته شده است. از این استقلال اداری اصل اجرای حقوق هر کدام از ایالات به طور مستقل ناشی می‌شود و از این رو هر کدام از ایالت‌ها مجلس قانون‌گذاری و سیستم قضایی ویژه به خود را دارند. مجلس هر کدام از آنها مستقلاً از سائر ایالات قوانین مربوط و مخصوص به ایالت خود را وضع می‌کند. البته، قوانین آمریکا عموماً محصول مجلس نیستند، بلکه از رویه قضایی دادگاه‌ها منتج شده‌اند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که قوانین بخصوصی و تدوین شده‌ای راجع به مسوولیت مدنی اشیاء ناقص در آمریکا وجود ندارد. این مسئله موجب می‌گردد که برای تولید کننده خارجی که مایل به انجام عملیات تجاری در آمریکا است، و حتی خود تولید کننده‌گان آمریکایی هیچ پیش‌بینی حقوقی برای پیش‌گیری از طرح دعوی بر علیه خود وجود نداشته باشد. ولی با این حال قاضی آمریکائی در فقد مطلق قواعد و اصول حقوقی بسر نمی‌برد بلکه رویه‌های قضائی دادگاه‌ها در خصوص مسوولیت مدنی کالاهای ناقص به تدریج بصورت مجموعه‌ای از اصول و قواعد مدون نشده در آمده که به آنها *Commun Law* می‌گویند. این مجموعه دارای نقش مشورتی برای قاضی است و اجبار و الزام آن در حد قانون نیست بلکه به منظور جلوگیری از تشتت آراء دادگاه‌ها بوده و در مجموعه‌ای بنام *Restatement Seconde of Torts (RST)* گرد آمده که توسط انستیتو حقوق آمریکا در واشنگتن دی-سی تهیه و تدوین شده است. با اینکه مجموعه فوق‌الذکر قدرت و الزام قانون را ندارد ولی از قدرت اجرائی بالائی برخوردار می‌باشد. در هر حال هر کدام از ایالات نیز برای خود *Commun Law* مخصوص به خود را دارد که با احتساب ۵۰ ایالت، ۵۰ نوع رژیم مسوولیت مدنی بطور مستقل وجود دارد که بعضاً تفاوت‌های بین آنها از تفاوت‌های دو رژیم حقوقی آلمان و فرانسه زیادتر است.^۳ ما بدلیل عدم امکان بررسی همه این سیستم‌ها، به اصول کلی پذیرفته شده در اکثریت این ایالات اکتفا می‌نماییم. این اصول عمدتاً از رویه قضائی دیوان عالی ایالت کالیفرنیا به ریاست قاضی تراینور (*Traynor*) ریشه گرفته است. این رویه قضایی که مسوولیت انحصاری را بنیان می‌نهد در جهت مدرنیزه کردن قانون مسوولیت مدنی صورت گرفته و به تدریج در ۴۶ ایالت دیگر مورد قبول واقع گردیده است.^۴

۲ - دلایلی که به سیستم قضایی آن کشور مرتبط است.

- در خصوص آنچه که به سیستم قضائی آمریکا مربوط می‌شود، باید خاطر نشان ساخت که در مرحله اجرایی و قضایی نیز همانند مرحله قانونگذاری (جز در مواردی که قانون اساسی بر صلاحیت آنها تصریح نموده باشد) نهادهای دولت فدرال حق مداخله ندارند. اصل استقلال ایالات مقتضی آن است که هر کدام از آنها سیستم قضایی منحصر بفرد داشته باشد. این است که تعدد قوانین و تعدد دادگاهها در یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند چرا که هر دادگاه برای خود رویه قضایی به خصوص دارد که از رویه قضایی ایالت مجاور متمایز می‌گردد.

در هر حال بجز صلاحیت‌های ویژه، صلاحیت‌های عمومی به عهده دادگاه‌های ایالات است اما آنچه که به مسوولیت مدنی اشیاء ناقص مربوط می‌شود، صلاحیت آن مشروحاً بر عهده دادگاه‌های ایالات است هر چند قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی از قوانین فدرال تبعیت می‌کنند. ما در این مقاله نمی‌توانیم تمام موارد صلاحیت دادگاه‌های فدرال را بر شمریم چرا که از قوانین پیچیده‌ای تبعیت می‌کنند^۵ ولی بطور خلاصه می‌گوییم که صلاحیت دادگاه ارتباط مستقیم با طبیعت دعوی و اهمیت مادی

^۳- مثل تفاوت رژیم حقوقی ایالت *New Jersey* با ایالت *New York*

^۴- منبع شماره ۱۱

^۵- برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به *Federal rules for civil procedure*

آن‌گو ملیت طرفین دارد.^۷ شایان ذکر است که باز این تقسیم صلاحیت از مقوله نظم عمومی نیست که تخلف از آن ممکن نباشد بلکه طرفین می‌توانند دادگاه صالح را به اختیار خود برگزینند و دادگاه نیز از آن طرف می‌تواند در صلاحیت خود آزادانه اعلام نظر کند حتی در مواردی که صلاحیت واقعی با دادگاه فدرال باشد.^۸

این مسئله مولد پدیده Forum Shopping می‌باشد که در حقوق بین‌الملل خصوصی بمعنای «جستجو و انتخاب دادگاه به اراده‌ی طرفین بمنظور اجرای قوانینی که بیشترین منفعت را برای آنها تضمین کند» می‌باشد. اصل آزادی انتخاب دادگاه موجب شده که هر کدام از طرفین به منظور دستیابی به قانون بهتر برای رسیدن به حق خود تلاش کنند.^۹ لذا این طبیعی است که متضرر دعوی خود را در دادگاهی اقامه کند که بتواند بیشترین میزان خسارات را دریافت دارد. رویه قضایی سابق دادگاه‌ها که از دیدگاه وکلای طرفین پوشیده نیست، این امکان را می‌دهد که از قبل میزان خسارات احتمالی تخمین زده شود. فی‌المثل در ایالت نیویورک دادگاه شهرستان Wechester میزان خسارات کمتری را نسبت به ۵ شهرستان دیگر این ایالت به متضرر اختصاص می‌دهد.

قسمت دوم - عوامل توسعه این رژیم مسئولیت در آمریکا

همانطوری که گفتیم حقوق آمریکا از سیستم Commun Law تبعیت می‌کند که به مجموعه‌ای از احکام و قوانین قابل اجرا بر اشخاص و اموال اطلاق می‌گردد که مستقیماً قدرت اجرائی خود را از اراده قانون‌گذار برنگرفته بلکه از تجارب قضایی حقوق دانان و احکامی که توسط دادگاه‌ها اجرا شده‌اند، اخذ نموده‌اند. با این تعریف، ویژگی قابلیت/انعطاف/داشتن و تغییر ناپذیری آن بنا به مقتضیات و ضروریات مشخص می‌گردد. این انعطاف موجب می‌شود که منطبق با نیازهای اجتماعی، قوانین به سادگی اصلاح و تغییر یابند و یک رژیم حقوقی - که محصول رویه عملی دادگاه‌ها است - در زمینه مسوولیت مدنی اشیاء ناقص بوجود آید. بنابراین، قاضی آمریکایی هیچ گونه تعهدی نسبت به رعایت اصول از قبل تعیین شده ندارد بلکه تا زمانی یک اصل معتبر است که نیازهای روز جامعه را مرتفع سازد و بتواند با ارائه راه‌حلی منصفانه دعوی را فیصله دهد لذا در خارج از این محدوده به سادگی قدرت اجرایی خود را از دست می‌دهد. از طرف دیگر، با توجه به تکنولوژی مدرن آمریکا طبیعی است که این رژیم حقوقی که زاده‌ی صنعت است در این کشور تولد آید. یک ویژگی دیگر سیستم حقوقی آمریکا در این خصوص این است که تصمیمات قضایی در این کشور بیشتر از *تئوری‌های اقتصادی* تأثیر پذیرفته‌اند که متوجه تقسیم میزان خسارات بر تمامی عاملین اقتصادی وارد شونده در جریان تولید محصول می‌باشد.

ویژگی‌های شکلی دعاوی مسوولیت مدنی اشیاء ناقص نیز به نوبه خود سهم بسزایی در تکامل و توسعه این نحوه مسوولیت داشته‌اند که علاوه بر قوانین مربوط به آیین دادرسی، به نحوه عمل وکلا نیز مرتبط است.

جریان دادرسی در اینگونه دعاوی دو مرحله‌ای است: ۱- مرحله تحقیق ۲- مرحله حکم

۱- مرحله‌ی تحقیق

در مرحله‌ی تحقیق که در حقیقت جنگ وکلاست، هر کدام از وکلا می‌توانند در Pre-trial discovery خود اطلاعات و مدارک موجود در دست طرف مقابل را مطالبه کند و برای این کار وسایل لازم را در اختیار داشته باشد. این امکان موجب

^۶- دعاوی بالاتر از مبلغ ۱۰۰۰۰ دلار در صلاحیت دادگاه فدرال است. منبع شماره ۱۲ ص ۹

^۷- در صورتی که ملیت طرفین یکسان نباشد، دادگاه فدرال صالح به رسیدگی است.

^۸- به این قانون، قانون صلاحیت فراکشوری می‌گویند که در Uniform Procedure Interstates Act سال ۱۹۶۲ نیز آمده است و استثنائی بر اصل استقلال و تمامیت ارضی هر کدام از ایالات تلقی می‌گردد (Long Arms Statuts) همچنین منبع شماره ۹

^۹- لازم به گفتن است که این پدیده با تقلب نسبت به قانون تفاوت دارد که بمعنای دستکاری و تغییر ارادی عناصر مرتبط سازنده یک فرد به یک کشور (éléments de rattachement) بمنظور منتفع شدن از قانونی متضمن تأمین منافع بیشتری برای آنهاست می‌باشد. (Pierre Mayer, Droit international Privé, 1991 n° 276 p. 177) و همچنین منبع شماره ۱۲ ص ۹

می‌گردد که طرف مقابل نتواند با ارائه یک مدرک تعیین کننده در مرحله صدور حکم، به یک باره جریان دادرسی را به نفع خود تغییر داده و طرف مقابل را در موضع انفعالی قرار دهد.

معمولاً به دلیل بالا بودن میزان خواسته در چنین دعاوی، کارشناسان نقش عمده‌ای را پیدا کرده‌اند بگونه‌ای که تقابل حقیقی بین آنهاست زیرا آنها هستند که نقش عمده در اثبات وقایع حقوقی در عالم خارج را دارند و اصولاً جنبه «عینی داشتن»^{۱۰} این نحوه مسئولیت، نقش اساسی را به آنها می‌دهد چرا که بدنبال نقص محصول است که مسوولیت سازنده مطرح شده و «نقص» یک مفهوم عینی است که باید در عالم خارج توسط اشخاص خبره اثبات شود و در مرحله بعدی تعیین میزان خسارات وارده در اثر نقص محصول می‌باشد که برآورد آن نیز بر عهده کارشناسان است.

۲- مرحله حکم

در رابطه با مرحله دوم دادرسی یعنی مرحله حکم، وجود هیات ژوری از مختصات اینگونه دعاوی است و اعضای این هیئت هستند که در نهایت میزان خسارات را تعیین می‌کنند.

اما آنچه که به نحوه عمل و کلا بر می‌گردد این است که حق الوکاله وکیل به نسبت از میزان خسارات دریافت شده توسط موکل پرداخت می‌گردد. این نسبت سهم بالایی است که معمولاً بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از کل مبلغی است که توسط موکل خود ثابت شده و دریافت می‌دارند.^{۱۱} بنابراین، اگر وکلا در دعاوی موکل خود موفق نشوند، مبلغی را اخذ نمی‌کنند، این است که تمام تلاش خود را در جهت موفقیت در دعاوی بکار می‌برند. البته، وکیل واحد می‌تواند از موکلین متعدد وکالت نماید در صورتی که مدعی‌علیه وی واحد باشد.

از آنجایی که در آمریکا دو سیستم سنتی مسوولیت به موازات مسوولیت انحصاری نیز موجود است، لازم است اشاره‌ای به این دو سیستم نیز بشود که عبارتند از سیستم مسوولیت قراردادی سازنده و سیستم مسوولیت غیر قراردادی وی (ضمان قهری). هر کدام از این دو رژیم مسوولیت سهم بسزائی در تکوین و تکامل مسوولیت انحصاری داشته‌اند. تلاش‌هایی که در جهت عینی ساختن (Objectivation) این دو رژیم مسوولیتی شد، چنان این دو رژیم مسوولیتی را از اصول اولیه خود جدا کرد که لزوم پایه‌گذاری یک رژیم حقوقی جدیدی در مسوولیت به نظر رسید. این بود که مسوولیت انحصاری یا Strict liability متولد شد. ما در قسمت اول به مسوولیت قراردادی سازنده و در قسمت دوم به مسوولیت غیر قراردادی و سپس مسوولیت انحصاری را شرح خواهیم داد. البته، مبنای چهارمی هم متصور است و آن مسوولیت فروشنده به جهت ارتکاب تدلیس در عرضه کالا (Fraudulent misrepresentation) توسط فروشنده بوده، امری که موجب به اشتباه افتادن و یا گول خوردن مشتری می‌گردد. این راه حل چهارم هنوز عمومیت نیافته و فقط در رویه قضائی بعضی از دادگاه‌های ایالات پذیرفته شده است.^{۱۲}

بخش اول : مسوولیت قراردادی سازنده

در آمریکا اساساً مسوولیت سازندگان کالاها ریشه در حقوق قراردادهای داشته است. وجود قرارداد قبلی بین سازنده و خریدار مبنای مسوولیت سازنده محسوب می‌شده، دلیل آنهم واضح است چرا که :

اولاً در عمل دو مفهوم «تجارت» و «تولید» از هم دیگر جدا نبوده‌اند. تولید کننده، فروشنده محصول نیز محسوب می‌گردیده است. سازنده از این جهت مسئول بود، که فروشنده آن محصول بود و بدین گونه مسوولیت قراردادی وی مطرح می‌گردید.

Objective - ۱۰

۱۱- Marée منبع شماره ۱۵ ص ۳۳

۱۲- رجوع شود به منبع شماره ۷ ص. ۴۶

ثانیاً اصل عدم امکان جمع بین دعاوی مبتنی بر مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی^{۱۳} هنوز پذیرفته نشده بود لذا فروشنده محصول بایستی ضمانت محصول خود را می‌نمود که به این ضمانت Warranty می‌گفتند.

این ضمانت محصول را قانون بر سازنده تحمیل می‌کرد یعنی حتی بدون شرط ضمنی و یا تبادل قول و قرار بین طرفین که مبنای تعهدی جداگانه برای سازنده بشود، در هر حال فروشنده و یا سازنده مجبور به دادن گارانتی برای محصول خود بود. این ضمانت دو گونه مختلف داشت: ۱- ضمانت ضمنی ۲- ضمانت مشروح

ما پس از بیان انواع گارانتی به ضمانت‌های اجرائی آن پرداخته و سپس شیوه‌هایی را که دادگاه‌های آمریکا برای تنظیم مواد مربوط به ضمانت در پیش گرفته‌اند که با مانع اصل «نسبی بودن آثار قراردادهای» مواجه نشوند و بتوانند جبران خسارات وارده به متضرر را تضمین سازند، می‌پردازیم.

بدینوسیله امکان شناخت تکامل تدریجی Warranty در طول زمان روشن می‌گردد.

Uniforme Sales Act سال ۱۹۰۶ گارانتی را چنین توصیف می‌کند:

«هر گونه بیان و تقریر و یا تاکید بر ویژگی خاص محصول بطور ضمنی و یا مشروح به نحوی که شامل قسمتی از تعهد و توافق بر فروش گردد که ممکن است ناشی از اراده طرفین بوده و یا توسط قانون بر آنها تحمیل شده باشد».

لذا برای گارانتی سه بنای مختلف می‌توان جستجو کرد:

۱ - مبنای قراردادی در صورتی که تعهد به گارانتی بصورت مشروح در ضمن عقد آمده باشد،

۲- مبنای غیر قراردادی در صورتی که فروشنده بصورت متقابلانه و یا از باب فراموشی و بی‌توجهی محصولی غیر از آنچه مورد توافق طرفین بوده یا غیر از آنچه از محصول بطور عادی انتظار می‌رود عرضه بدارد^{۱۴}،

۳- مبنای قانونی در صورتی که قانون آنرا بر طرفین تحمیل نموده باشد.

دادگاه‌ها حسب مورد بر اساس یکی از مبانی فوق‌الذکر مسئولیت سازنده را مطرح می‌سازند. البته، غیر از تقسیم‌بندی فوق‌الذکر تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که بر آن اساس گارانتی یا مشروح است (Expresse Warranty) یا ضمنی (Impleid Warranty).

گارانتی مشروح

^{۱۳} - این قاعده در فرانسه بنام *La règle de non-cumul des responsabilité contractuelle et la responsabilité délictuelle* معروف است و به این معنا است که متضرر نمی‌تواند برای یک فعل خسارت بار هم به مواد مربوط به مسئولیت قراردادی (مثل قوانین مربوط به باردلیل) و هم (مثلاً درخصوص میزان خسارات) به مواد مربوط به مسئولیت غیر قراردادی استناد کند. البته، تفسیر واحدی از این قاعده وجود ندارد. عده‌ای از حقوق‌دانان فرانسه معتقدند که این عدم امکان جمع بین دو نوع مسئولیت در مرحله انتخاب متضرر ظاهر می‌شود. بدین معنا که در صورت سبق قرارداد بین متضرر و عامل ورود ضرر فقط می‌توان به قوانین مربوط به مسئولیت قراردادی تمسک جست. لذا مواد مربوط به مسئولیت غیر قراردادی موضوع مواد ۱۳۸۲ به بعد در مواردی که خطاناشی از عدم اجرای یک تعهد قراردادی قابل اجرا نمی‌باشند نگاه کنید به *Les grands arrêts de la jurisprudence civile* شماره ۱۰۲. این قاعده اخیراً^{۱۴} در خود فرانسه مورد سؤال واقع شده است و می‌رود که همانطوریکه در سایر کشورهای اروپایی (۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا) پذیرفته نشده است، در این کشور هم مهجور ماند. لازم به ذکر است که جمع بین دو دعوی مسئولیت انحصاری و مسئولیت غیر قراردادی در آمریکا ممکن است (Tulane Law Review ۱۹۹۲ ص. ۱۱۹۱) و در سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و از جمله فرانسه نیز قاعده‌تاً باید ممکن باشد. (رجوع شود به رساله دکترای نویسنده تحت عنوان: *La responsabilité du fait de défaut de sécurité des produits* دفاع شده در دسامبر ۱۹۹۶ ص. ۱۲۰ و ۳۱۰)

^{۱۴} - *Obligation de Fitness for a particular purpose* به فرانسه این نوع گارانتی موضوعی تعهد خاصی است تحت عنوان: *conformité du produit à l'usage duquel il a été destiné* رجوع شود به "تعهدات قراردادی فروشنده در عقد بیع در حقوق فرانسه" از

طبق تعریف قانون تجارت سال ۱۹۵۱ و همچنین بخش دوازدهم از Uniforme Sales Acte، گارانتی مشروح چنین تعریف شده است: «هرگونه قول به وجود کیفیت خاص در محصول توسط فروشنده بنحوی که در تصمیم خریدار موثر بوده و بتواند اطمینان او را جلب کند»^{۱۵}. این اعتماد و اطمینان خریدار مولود وعده ها و مذاکرات قبل از فروش است بگونه‌ای که اگر آن وعده‌ها و بیان کیفیات قبلی نبود، خریدار مبادرت به خرید محصول نمی‌کرد. لذا این اطمینان و یا اعتماد (Reliance) از روابط طرفین ریشه گرفته و مشروع بوده و اساس گارانتی را تشکیل می‌دهد. این اعتماد مشروع را باید قانون محافظت نماید بدینگونه که فروشنده از آن سوء استفاده ننموده و موجبات ضرر خریدار را فراهم نیاورد. خریدار شخص نا آگاهی است که نباید مسحور لفاظی‌ها و توصیف‌های ساختگی فروشنده شود. فروشنده حرفه‌ای (که حتی اگر واقعا نقص محصول را نداند، بدلیل حرفه‌ای که دارد، علم وی مفروض انگاشته می‌شود)، نباید ضرری متوجه مشتری سازد. خریدار بدون هیچ‌گونه ارتکاب خطایی با اعتمادی که در وی بوجود آمده و به بازار اطمینان پیدا کرده، موجب شده که دست به خرید آن محصول بزند. لذا این نحوه گارانتی مبتنی بر اعتماد خریدار است و اگر این اعتماد به هر دلیلی از بین برود، در حقیقت، از تعهد گارانتی تخلف شده است و موجبات مسوولیت سازنده را فراهم می‌آورد. بنابراین، ارتکاب هیچ خطا و یا بی‌توجهی دیگری از جانب فروشنده، شرط مسوولیت وی نمی‌باشد.

این راه‌حل نسبت به اطراف قرارداد که داخل در چهارچوب Privity بودند، راه‌حل خوبی بود چرا که با اصل نسبی بودن آثار قراردادهای منطبق است. این اصل می‌گوید: «قرارداد اثری نسبت به ثالث از روابط قراردادی نداشته و یا نفع و ضرری برای کسی جز آنهایی که آنرا منعقد نموده‌اند ایجاد نمی‌کند»^{۱۶}. همچنین «اصل احترام به اراده طرفین» موجب می‌شد که چهارچوب قرارداد منحصر به افرادی باشد که طرف آن هستند لذا نتیجه این می‌شد که تنها خریدار واقعی از چهارچوب گارانتی بهره جوید.

بدین ترتیب، این اصل که بعنوان اصل مسلم در حقوق قراردادهای به شمار می‌رفت، با اصل حمایت از مصرف کننده در تضاد افتاد. این بود که حقوق دانان را به فکر چاره جویی انداخت که راه حل مناسبی در جهت جمع این دو اصل بیابند.

راه حل اول این بود که چهارچوب گارانتی را وسیع‌تر گردانند بدین صورت که علاوه بر گارانتی‌های مشروح (Express warranty) نحوه دیگری از گارانتی یعنی گارانتی ضمنی نیز مطرح شود (Impleid warranty).

ما پس از بیان گارانتی ضمنی به دومین راه حل یعنی سرایت دادن محدوده اطراف قرارداد (privity) را به ثالث متضرر می‌پردازیم.

ب - گارانتی ضمنی

طبق قانون در جایی که تعهدات فروشنده ریشه در یک تعهد و یا وعده و یا قول قبلی بر ویژگی خاص محصول نداشته باشد، بلکه از شروط ضمنی قرارداد ناشی شده باشد، سخن از گارانتی ضمنی می‌رود این نوع از گارانتی خود بر دو نوع است:

۱- گارانتی ضمنی کیفیت محصول^{۱۷}.

۲- گارانتی ضمنی استعداد محصول برای استفاده مورد نظر.

^{۱۵}- Any affirmation of fact or promise by the seller relating to the goods if the natural tendency of such affirmation or promise isto induce the byer to purchase the goods and the byer purchase the good relying thereon. (section 2-13)

^{۱۶}- این اصل که در ماده ۲۳۱ قانون مدنی ایران نیز وارد شده است در کد تجارت ۱۹۵۱ آمریکا نیز آمده است و تمامی ایالات عضو بجز لویزیانا آنرا پذیرفته‌اند. در این کد نه تنها معنای گارانتی مشروح و ضمنی را در بخش‌های ۲-۳۱۳ و ۲-۳۱۴ بیان می‌دارد بلکه از گارانتی‌های عمومی و ویژه نیز سخن به میان می‌آورد (۲-۳۱۵)

^{۱۷}- Impleid warranty of merchantability, UCC اشعار می‌دارد A warranty that the goods shall be merchantable is impleid in a contract for their sale if the seller is a marchant to goods of that kind (Uniform Commercial Cod 2-314)

گارانتی ضمنی استعداد محصول برای استفاده منظور بر این ایده استوار است که فروشنده متعهد به ارائه محصولی است که مرتفع کننده نیاز خریدار از جستجوی چنین محصولی باشد لذا باید خریدار بتواند به گفته‌های فروشنده اعتماد کرده و واقعاً همان جنسی را که منظور داشته، دریافت دارد^{۱۸} و در صورتی که این اعتماد از بین برود، مسئول خواهد بود. البته، گارانتی ضمنی کیفیت محصول نیز بر ایده‌ی اعتماد مبتنی است. لیکن تفاوتی که با گارانتی ضمنی استعداد محصول دارد در این است که در اولی اعتماد، یک اعتماد کلی است در حالی که در دومی این اعتماد مشخص تر و جزئی تر گردیده است.

در طول قرن بیستم، محدوده گارانتی از گارانتی مشروح و ضمنی تجاوز نمود و شامل تمام انواع گارانتی که ناشی از اراده قانونگذار باشد نیز گردید. همانطور که گفتیم گارانتی قراردادی حتی در شکل ضمنی آن پاسخگوی تمامی مشکلات نبود برای اینکه فقط مشکل متعهدان مستقیم قرارداد را حل می‌کرد، لیکن در جایی که بحث از تولید و توزیع انبوه مطرح بود، پاسخ مناسبی ارائه نمی‌داد چرا که بخصوص در بسیاری از موارد محصول بصورت مهر و موم شده توسط مصرف‌کننده نهایی باز می‌شد و تعاقب یادی در زنجیره خریدهای متوالی مسئول واقعی را بدرستی نمی‌شناساند، برای اینکه هر کدام از فروشندگان بطور جداگانه قادر به کنترل کیفیت محصول نبودند. این شد که حقوق دانان بر آن شدند که راه حل دیگری بیابند. لذا در مقام جمع بین دو اصل یعنی اصل نسبی بودن آثار قراردادها و اصل حمایت از مصرف‌کننده برآمدند و عده‌ای بکلی اصل نسبی بودن آثار قراردادها در پای اصل حمایت از مصرف‌کننده قربانی کردند.

گروه اول دو راه حل را پیشنهاد نمودند :

۱- اینکه بایستی دایره «اطراف قرارداد» (Privity) یا منتفعین از قرارداد را توسعه داد و قائل شد به اینکه هر چند رابطه قراردادی نمی‌تواند برای ثالث موجد تعهدی باشد یا او را متضرر سازد، ولی در حقیقت، این خریدار به تنهایی نیست که طرف قرارداد است، بلکه خانواده و خدمتکاران و اشخاص نزدیک به او که به نحوی از قرارداد منتفع و یا متضرر می‌شوند، داخل در Privity هستند. بدین ترتیب بود که Industrial family مطرح گردید.

۲- راه حل دوم که توسط پراسر (Prosser) پیشنهاد شده کاری به دایره Privity ندارد و آنرا در محدودیت خود به افراد حقیقی طرف قرارداد باقی می‌گذارد. اطراف قرارداد همان‌هایی هستند که واقعاً قرارداد را امضاء کرده‌اند و لیکن Privity شرط گارانتی نیست بلکه گارانتی در خارج از روابط قراردادی و حقوق قراردادها نیز آثار خود را بروز می‌دهد. پراسر می‌گوید: کسانی که طرف قرارداد نبوده ولی به نحوی با قرارداد در ارتباط هستند، در حقیقت، نماینده و قائم مقام خریدار تلقی می‌گردند لذا گارانتی لازمه خود محصول است و مثل سایه همراه محصول می‌رود. وی گارانتی را تشبیه می‌کند به هزینه‌های نگهداری و شارژ یک ساختمان که از خود ساختمان تفکیک ناپذیر است^{۱۹}.

گروه دوم اساساً در اصل نسبی بودن آثار قراردادها خدشه وارد نموده‌اند. این گروه دو راه حل فوق‌الذکر را تصنعی دانسته و موسع دایره Privity نمی‌دانند و قائلند به اینکه یا باید اصل نسبی بودن آثار قراردادها را پذیرفت یا آنرا کلاً بلااثر دانست. اگر آنرا بپذیریم، در آن صورت، باید تمام آثار و احکامش را نیز بپذیرا شویم. و بدین ترتیب دیگر نمی‌توان برای بسط دایره Privity به افراد خارج از قرارداد، متوسل به این استدلال ساختگی شده آنرا به گونه‌ای دیگر تفسیر نماییم و بدین وسیله این اصل را از ماهیت خود عاری سازیم. لذا، این گروه در مقام انتخاب بین اصل حمایت از مصرف‌کننده (و نتیجتاً تعهد به گارانتی) و اصل نسبی بودن آثار قراردادها، اصل اول را ترجیح داده‌اند.

این دسته چنین استدلال نموده‌اند که : منطقی نیست از یک طرف قانون، سازنده را متعهد به گارانتی محصول خود در قبال خریدار نماید و از طرف دیگر مسئولیت ناشی از تخلف وی از این گارانتی را (فقط به این دلیل که محصول با واسطه بدست مصرف‌کننده رسیده است) نپذیرد.

^{۱۸}-Where the seller at the time of contracting has reasons to know any particular purpose for which the goods are required and that the buyer is relying on the sellers skillor judgement to select of furnish suitable goods there is an implied warranty that the good shall be fit for such purpose (U.C.C. 315-2)

^{۱۹}- منبع شماره ۱۳ (W. PROSSER, n° 8, p. 1134 & 114)

از این رو، این گروه با توسعه چهارچوب گارانتی چنین استدلال نموده‌اند که عادلانه نیست تاجر سازنده با توسل به طرق مختلف تبلیغاتی با جلب اعتماد خریدار محصولات خود را بفروشد و در قبال نادرستی تبلیغات مسئول نباشد زیرا تبلیغات اهرم فشار مهمی در جلب و تحریک اراده‌ی خریدار بالقوه بر خرید محصول تلقی می‌گردد. این است که منتشر سازنده‌ی تبلیغات را باید متعهد سازد.^{۲۰}

از بین استدلالات فوق توسعه محدود گارانتی مشروح مورد قبول قانون تجارت فدرال آمریکا واقع شده بدین‌گونه است که «تمام قول و قرارها و موکدات و توصیف‌هایی که مبانی موافقت طرفین (The base of bargain) را تشکیل می‌دهند، می‌توانند مولد گارانتی مشروح باشند»^{۲۱}. لذا آنچه در آگهی‌های تبلیغاتی و رادیو تلویزیونی می‌آید، نیز جزء موارد گارانتی مشروح محسوب می‌شود. اما در ارتباط با گارانتی ضمنی حتی اگر نتوانیم مبنای آنرا در مذاکرات قبل از فروش طرفین ببایم، با توجه به اینکه معمولاً از اراده‌ی قانونگذار نشأت گرفته‌اند و به اراده طرفین کاری ندارند، موجب می‌شود که متضرر بتواند دعوی خود را مستقیماً علیه سازنده محصول اقامه سازد به خصوص اینکه در بعضی محصولات مثل محصولات غذایی، قانونگذار مشروحاً مقاصد سیاسی اجتماعی خود را آشکار نموده و به هیچ وجه نخواستسته ضررهای وارده بلاعوض بماند و در سایر محصولات آنجا که پای خسارات جانی در میان است، باز توجه خاصی مبذول شده و سازنده را مسئول قلمداد کرده است و بدین ترتیب این محصولات را موضوع گارانتی ضمنی واقع نموده است.

ضمانت اجرایی تخلف از گارانتی قراردادی (Breach of Warranty)

حقوق قراردادهای مقرر می‌دارد که خریدار متضرر می‌تواند دعوی اجرای قرارداد، فسخ و یا تخفیف مبلغ قرارداد را بنماید و لیکن آنچه که ویژگی خاص مسوولیت مدنی اشیاء ناقص است، امکان اقامه دعوی ضرر و زیان به منظور جبران خسارات وارده می‌باشد. در این رابطه، اصل جبران کامل خسارات مدنظر بوده و لذا سقفی برای جبران خسارات در نظر گرفته نشده است. عمده‌ی شرط برای امکان جبران قابل مطالبه این است که خسارات باید عقلاً قابل پیش‌بینی باشند. مفهوم قابل پیش‌بینی بودن عاقلانه، بحث‌های بسیاری را برانگیخته است که ذکر آنها از حوصله این مقاله خارج است ولی بطور خلاصه تمام خساراتی که نتیجه طبیعی و منطقی تخلف از قرارداد باشند، به تنهایی قابل جبران نیستند بلکه علاوه بر آن باید خسارات مذکور، قابل پیش‌بینی هم باشند برای اینکار علم قبلی فروشنده و احتیاطات لازمه و پیش‌بینی‌های قبلی در هنگام انعقاد قرارداد و ویژگی‌های توافق طرفین و گارانتی‌های داده شده در تعیین این مفهوم نقش بسزایی دارند. تفاوت آن با ضمان قهری (Torts) در این است که در آنجا جبران خسارات مقید به قید قابل پیش‌بینی بودن نشده است و لذا کل خسارات را می‌توان مطالبه نمود چه قابل پیش‌بینی باشند چه نباشند.

همانطور که یادآور شدیم، به موازات سیستم مسوولیت قراردادی یک سیستم سنتی دیگر در آمریکا وجود دارد که ضمان قهری یا مسوولیت غیر قراردادی می‌باشد. این نظام مسوولیتی ریشه در حقوق انگلستان داشته و از رأی مجلس اعیان آن کشور در سال ۱۸۴۲ ریشه می‌گیرد.^{۲۲}

بخش دوم - مسوولیت مدنی غیر قراردادی (ضمان قهری) Torts

^{۲۰} - فی المثل در رأی باکستر علیه شرکت فورد موتور در سال ۱۹۳۲ (168 Wash. 456 12 P2d 409, 15 P2d 1118) در این رأی آقای باکستر ماشینی می‌خرد که در آگهی‌های تبلیغاتی آن داشتن شیشه سکوریت قید گردیده بود پس از پرت شدن یک سنگریزه از زیر چرخ ماشین پهلویی و اصابت با شیشه جلو ماشین، شیشه به یکباره فرو می‌ریزد و معلوم می‌گردد که شیشه سکوریت (امنیتی) نبوده است. دادگاه تأکید بر وجود چنین کیفیتی در آگهی‌های تبلیغاتی را مبنای مسوولیت سازنده می‌داند و تصریح می‌کند که گارانتی مشروح شامل تمام مذاکرات قبل از انعقاد قرارداد خرید نیز بوده است. البته در صورتی که بطور کافی روشن و واضح بوده باشند. به علاوه، گارانتی مشروح شامل تمامی آنهاست که با اعتماد به این تبلیغات مبادرت به خرید محصول می‌نمایند، نیز می‌شود.

^{۲۱} - Section 2-313 official comment pt. 3

^{۲۲} - رجوع به منبع شماره ۶

این نحوه از مسوولیت از خطای سازنده ناشی می‌شود، عنصر *خطا* (Negligence) رکن کلیدی آنست. سخن از خطا به منظور اخراج عمد است. اعمال عمدی در حوزه بحث ما نیستند چون اصل این است که سازنده در ارائه محصول ناقص قصد اضرار به غیر را نداشته بلکه در اثر بی‌توجهی و مسامحه وی، خسارت وارد شده است. اگر در ایراد خسارت، عمدی در کار باشد، علاوه بر مسوولیت مدنی، مسوولیت کیفری سازنده نیز مطرح می‌شود که موضوع بحث ما نیست.

ما ناچاریم برای شناخت مفهوم *خطا* به RST دستور العمل شماره ۲۸۲ مراجعه کنیم که مقرر می‌دارد:

A conduct which falls below the standard established by the law for the protection of others against unreasonable risk of harm.

در این تعریف دو عنصر اساسی ملاحظه می‌شود: از طرفی این مفهوم بر اعمال انسان متعارف و عاقل استوار شده^{۲۳} و از طرف دیگر بر قابل پیش‌بینی بودن ضرر مبتنی گردیده است. مثلاً انسان با علم به اینکه در صورت ابقاء خطر، ضرری متوجه دیگری می‌شود، معذالک از بروز آن جلوگیری نکند، از اعمال انسان متعارف و عاقل نیست، از این روست که چنین ضرری باید جبران شود. البته، تمام خسارات قابل پیش‌بینی نمی‌توانند قابلیت جبران را داشته باشند بلکه ضرر نباید در زمره آنهایی باشد که انسان در زندگی روز مره با آنها سر و کار دارد^{۲۴}.

عنصر خطا و فراموشی در ضمان قهری محصولات ناقص

این عنصر در مورد محصولات به عنوان مبنای کلاسیک مسوولیت مدنی در تمامی سیستم‌های الهام گرفته از سیستم کامن لا مطرح بوده است لیکن از اواخر قرن ۱۹ در چند مورد لزوم وجود این عنصر برای مسوولیت سازنده برداشته شد. بدین ترتیب، که خطای سازنده مفروض قلمداد گردید و آن به خصوص در مورد محصولات خطرناک^{۲۵} بوده در صورتی که متضرر از خطر محصول اطلاع نداشته باشد. چنین خطایی حتی اگر متضرر شخص ثالث^{۲۶} از قرارداد باشد، نیز مطرح می‌گردد. بدین ترتیب، به تدریج دایره اشیاء خطرناک که موجب ورود خسارت جانی یا مالی بدیگری می‌شوند، چنان توسعه یافت که شامل تمام محصولات^{۲۷} که به نحوی ضرر جانی به دیگری وارد می‌سازند، گردید حتی اگر بنا به ذات خود خطرناک نباشند. در رأی سال ۱۹۱۶ علیه شرکت بیوک موتور^{۲۷} با اینکه محصول مورد نظر یک اتومبیل است و لیکن به دلیل خسارات بدنی وارده توسط آن در زمره محصولات خطرناک محسوب شده است.

علی‌ای حال، تا آنجا که به مسوولیت مدنی غیر قراردادی بر می‌گردد سه خطای عمده مفروض است:

۱ - خطای ساختمانی یا ساختی^{۲۸}

این نوع خطا بدین معنی که نقص محصول در اثر عدم ملاحظه اصول مربوط به ساخت آن باشد مثلاً درست طراحی نشده و یا از آلیاژهای لازم در ساختمان آن بهره گرفته نشده باشد. البته، برای شناخت نقص محصول، استفاده درست و بجا از آن نیز باید مد نظر باشد بدین معنا که محصول نباید به گونه‌ای مورد استفاده واقع شود که از حد توان آن خارج باشد مثلاً در جایی که ترکیدن تاپر ماشین در اثر بار اضافی باشد که خریدار علت آن باشد، سازنده مسئول نیست بلکه اگر وجود عنصر خارجی در مواد ترکیبی آن علت بروز حادثه خسارت بار شود، در آن صورت است که خطای ساختمانی محقق شده و سازنده

^{۲۳} Failure to exercise reasonable care در فرانسه مفهوم مشابه آن «اعمال و رفتار یک پدر خوب خانواده» (Les comportements d'un bon père de famille) ملاک قرار می‌گیرد.

296 تا 291 پاراگراف R.S.T. - ۲۴

۲۵- Immensely dangerous product intended to preserve, destroy or affect human life

۲۶- By-stander

۲۷ - R.S.T. ۲۹۶ تا ۲۹۱ پاراگراف MC Pherson / Buickmotor co [111 N.E 1050 (N.Y. 1916)]

۲۸ - Negligent design

مسئول شناخته می‌شود. این است که باز در اینجا مفهوم «استفاده عاقلانه» از محصول مطرح می‌گردد. البته، تمایز آنچه عقلاً از محصول انتظار می‌رود و آنچه غیر معقول^{۲۹} است، به درستی مشخص نشده است.

۲- خطای ناشی از عدم کنترل خط تولید^{۳۰}

نقص که در اینجا از جریان خط تولید ناشی شده، طبعاً شامل تعداد خاصی از محصولات می‌گردد. لذا دایره متضررین آن نسبت به مورد بالا کمتر است. از آنجایی که علوم و تکنولوژی در حدی نیستند که بدقت محصول را در جریان ساخت خود کنترل کنند، بعضی از این خطرها چاره‌ناپذیر می‌نمایند مثلاً در یک نوشابه در جریان خط تولید بیشتر از بقیه گاز داخل می‌شود. در این گونه موارد، سازنده مسئول است چرا که بدلیل شغلی که دارد، بایستی دقیقاً خط تولید محصول را در حد لازم و منطقی کنترل کند.

۳- نقص اطلاعات لازم در جهت استفاده صحیح از محصول^{۳۱}

این نقص ناشی از خود محصول نیست و ممکن است محصول با توجه به تمامی اصول و استانداردهای مربوط به ساخت خودش هم تهیه شده باشد ولی بدلیل محتوی و یا طبیعتی که دارد، اطلاعاتی خاصی راجع به نحوه استفاده از آن لازم باشد که در اثر عدم رعایت آنها درصد خطر بالا می‌رود لذا استفاده کننده یا مصرف کننده بایستی بخصوص از آن اطلاعات آگاه باشد تا از بروز خطر جلوگیری شود. این است که یک وظیفه آگاهی‌دادن^{۳۲} بر عهده سازنده قرارداد شده است که تعهدی مستقل از تعهد به تهیه محصول سالم می‌باشد. متأسفانه سازندگان به دلائل تجاری مختلف از دادن این اطلاعات پرهیز دارند ولی قانونگذار، قاعده لاضرر که مبنای مسوولیت مدنی است، را بر منافع اقتصادی سازنده ترجیح می‌دهد^{۳۳}. این اخطار و آگاهی‌دادن باید به گونه‌ای باشد که توجه خریدار را جلب کند به گونه‌ای که برای عموم که تخصصی در این امور ندارند، سهل‌الوصول باشد. لذا اگر این اخطارها در قرارداد فروش یا در مجموعه کاتالوگ‌های مربوط به استفاده از محصول، به شکلی بسیار ریز و ناخوانا نوشته شده باشند، مثل این است که اصلاً داده نشده باشند.

مسئولیت غیر قراردادی فروشنده

علاوه بر سازنده، مسوولیت غیر قراردادی فروشنده محصول به خاطر جهل و مسامحه وی نیز می‌تواند مطرح شود. البته، در صورتی که فروشنده خطر محصول را از قبل بداند و آنرا کتمان کند و یا اطلاعات نادرست راجع به استفاده از محصول به خریدار عرضه بدارد. در سائر موارد نیز که فروشنده اسم و علامت تجاری خود را بر محصول می‌گذارد، به سازنده تشبیه می‌شود زیرا در این مورد سازنده‌ی محصول قلمداد می‌گردد.

در صورتی که فروشنده به هیچ وجه نه در ساخت و نه در مونتاژ محصول هیچ‌گونه دخالتی نداشته باشد، او نیز مثل مصرف کننده است که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به محصول نداشته است. بخصوص در موردی که فروشنده محصول را به همان صورت آکبند کارخانه بفروشد. در اینجا نیز اصل، عدم مسوولیت فروشنده واسطه است چرا که قدرت بر کنترل کیفیت محصول را نداشته است.

خطای متضرر

^{۲۹} - Inreasonable care

^{۳۰} - Miscarriage in the manufacturing process

^{۳۱} - Negligent warning

^{۳۲} - Duty to warn

^{۳۳} - R.S.T. 388

در هر حال، خطای سازنده می‌تواند بعنوان وسیله‌ای در دست سازنده جهت دفاع از خود مطرح شود در صورتی که متضرر در اثر اعمال خود سهمی در بروز نقص داشته باشد^{۳۴} و یا اینکه متضرر با علم به نقص محصول آگاهانه خود را در معرض خطر قرار دهد، این عمل وی بمنزله قبول خطر^{۳۵} است ولی باز در این مفهوم نیز اعمال انسان متعارف و عاقل راه یافته است بدین گونه که پذیرش خطر باید بگونه‌ای باشد که از اعمال انسان متعارف ناشی شود و الا هر پذیرش خطری نمی‌تواند رافع مسئولیت سازنده باشد. همچنین برای اینکه خطای متضرر بتواند رافع مسئولیت سازنده شود، بایستی از محصول به گونه‌ای غیر معقول بهره جسته باشد مثلاً تغییراتی در آن بوجود آورده باشد و این مورد استفاده به گونه‌ای باشد که نه قابل پیش بینی و نه قابل پیشگیری توسط سازنده باشد. در اینجا نیز از جهت این شرط مسئولیت غیر قراردادی با مسئولیت قراردادی مبتنی بر گارانتی شبیه می‌شود چرا که در آنجا نیز جبران خسارات مشروط به عدم استفاده محصول جهت مقاصد فوق‌العاده و غیر قابل پیشگیری بود.

* * * * *

ما قبل از ورود به مسوولیت انحصاری دو رژیم سنتی مسوولیت را بدینگونه خلاصه می‌نمائیم و نشان می‌دهیم که چگونه این دو رژیم مسوولیت با جریان عینی ساختن^{۳۶} که بر هر تحمیل شد- از اصول و مبانی خود فاصله گرفتند که بنظر رسید رژیم مسوولیتی جدیدی پایه گذاری شده است.

در مسوولیت غیر قراردادی ابتدا خطای سازنده را علت ایجاد مسوولیت وی دانسته سپس «خطا» را به گونه‌ای تفسیر نمودند که «خطای عینی» معنی بدهد. این تفسیر از خطا، فارغ از بررسی اعمال و ذهنیات و کردار سازنده می‌باشد. آنگاه این خطای عینی را بصورت «اماره‌ی خطا» در هر دعوی مبتنی بر مسوولیت مدنی بصورت مفروض قلمداد نمودند. این خطای مفروض به ثالث متضرر نیز امکان طرح دعوی می‌دهد بدون اینکه لازم باشد داخل در کادر Privity بشوند.

در دعوی مسوولیت قراردادی ابتدا دایره اطراف قرارداد Privity را توسعه داده و به تدریج اصل نسبی بودن آثار قراردادها را تحدید نموده بگونه‌ای که شامل کلیه افرادی که بنحوی از نقص محصول متضرر می‌گردند، بشود. نقطه تلاقی این دو سیستم مسوولیت انحصاری است که موضوع بخش سوم این مقاله می‌باشد.

بخش سوم : مسوولیت انحصاری یا Strict Liability in Torts

سابقه مسوولیت انحصاری به مسوولیت مدنی نگهداری حیوانات و متصدیان انجام کارهای خطرناک در حقوق آمریکا وجود داشته است. لذا این مفهوم در مورد محصولات صنعتی ناقص مفهوم جدیدی نیست. ریشه پیدایش رژیم مسوولیت مدنی اشیاء ناقص به سال ۱۹۴۴ برمی‌گردد که در آن سال دادگاه عالی کالیفرنیا به ریاست قاضی تراینور دعوی خانم اسکولا علیه شرکت کوکاکولا^{۳۷} بر مبنای استدلال جدیدی دعوی خواهان را استوار نمود. خانم اسکولا در اثر انفجار یک بطری کوکاکولا که محتوی گاز بیشتری از معمول بود، زخمی می‌شود. اکثریت قضات مسوولیت غیرقراردادی سازنده را بر مبنای جهل وی خواستار شدند و به نفع مادام اسکولا رأی دادند ولی قاضی تراینور استدلال این قضات را نپذیرفت و راه حل مستقل و جدیدی را پیشنهاد نمود که مبنای مسوولیت انحصاری قلمداد گردید.

استدلال وی در این رأی این بود که همین که بدون کنترل‌ها و مراقبت‌های لازم محصولی به بازار عرضه شود و بعداً نقص آن کشف شود و از این نقص ضرری به دیگری وارد بیاید، سازنده مسئول خسارات وارده باشد.

استدلال وی بر چند پایه استوار گردیده بود :

^{۳۴}- Contributory of risk

^{۳۵}- Assumption of risk

^{۳۶}- Objectivation

^{۳۷}- 24 Cal 2d 453 150 p. 436 (1944) Escola/ Cocacola

۱- نظم عمومی مقتضی آنست که رژیم مسئولیتی را برای سازنده ثابت بدانیم که بتواند بطور موثرتری تهدیدات وارده به سلامتی افراد جامعه را که ناشی از نقص محصول است، کاهش دهد.

۲- سازنده قادر است خود را در قبال خطرها و مسئولیت ناشی از نقص محصول بیمه کند در حالی که متضرر از چنین حمایتی برخوردار نیست.

۳- حتی در جایی که سازنده محصول خطا و یا فراموشی هم مرتکب نشده باشد، این اوست که عرضه کننده محصول به بازار است و از این رو باید مسوولیت ناشی از این عمل خود را بر عهده بگیرد.

۴- فروشنده جزء در قیاس با خریدار از اولویت بیشتری نسبت به جبران این خسارات برخوردار است زیرا عموماً فروشندگان جزء وضعیت بهتری نسبت به خریدار از جهت آشنائی به محصول قرار ندارند لذا سازنده مستقلاً از خطای خود مسئول جبران تمامی خساراتی است که بدیگری وارد می شود و مبنای این مسئولیت گارانتی صحت محصول Warranty of safty لذا این یک نحوه مسئولیت سببی است که بر عهده سازنده قرار می گیرد.

۵- درست نیست که تنها مسوولیت سازنده به تنهایی در قبال طرف قرارداد بتواند مطرح باشد و خود را بدین ترتیب به گارانتی قراردادی محدود سازیم چرا که اگر خود خریدار به نوبه خود یک فروشنده جزء باشد، مسلماً مصرف کننده محصول نخواهد بود بلکه قصد فروش آنرا بدیگری دارد حال اگر گارانتی صحت محصول به ثالث سرایت نکند، سؤال می شود که این گارانتی به چه درد می خورد از این رو معلوم می شود که گارانتی فوق باید لزوماً به منظور حمایت از سلامتی و امنیت کسی بوده باشد و این شخص کسی نیست جز ثالث از قرارداد.

۶- وجود رابطه قراردادی حقیقی و مستقیمی بین سازنده و مصرف کننده شرط این مسوولیت نمی باشد چرا که مصرف کننده در هیچ صورتی نمی تواند شخصاً کنترل محصول را بعهده بگیرد و از فرمول مرموز ساخت آن آگاه شود و بنا به اعتماد است که خریدار مبادرت به خرید محصول می کند و این اعتماد در تمام سیاست های شرکت های تبلیغاتی امری مفروض و مسلم تلقی شده است.

۷- به شیوه های کلاسیک طرح مسئولیت نمی توان استناد نمود. بدین صورت که متضرر علیه فروشنده خودش و این فروشنده نیز به نوبه خود علیه فروشنده به خود دعوی را طرح نماید تا اینکه نهایتاً جریان طرح دعاوی متعاقب به سازنده برسد چراکه :

اولاً موجب تطویل دادرسی و تفویض وقت و بالا رفتن هزینه دادرسی شده،

ثانیاً با مشکل مرور زمان هر کدام از این دعاوی پشت سر هم مواجه می گردیم،

ثالثاً در صورت افلاس هر کدام از فروشندگان در این زنجیره نتیجه این می شود که ضرر وارده به متضرر جبران نشده باقی بماند لذا هر چه در این زنجیره قرارداد بالاتر برویم، مشکل بیشتر می گردد.

* * *

۱۹ سال بعد از این رأی همین قاضی تراینور در رأی دیگری^{۳۸} موارد فوق را ابرام نمود این رأی مربوط به یک دعوی مبتنی بر تخلف از گارانتی ضمنی می باشد که علیه سازنده ی یک ماشین ابزار ناقص اقامه گردید. این ماشین توسط خانم گرین من خریداری و به شوهرش هدیه شده بود که در هنگام استفاده طبیعی و معمولی از آن حادثه آفریده و شوهرش را زخمی ساخت. قاضی تراینور حق را به خانم گرین من داد ولی دعوی را بر گارانتی مبتنی ساخت. با توجه به اینکه ماشین ناقص و بالنتیجه خطرناک بوده، همان استدلال با بکارگیری همان واژه ها که در رأی کوکاکولا وجود دارد، مجدداً تکرار شده ولی ویژگی خاصی که این رأی نسبت به رأی قبلی دارد، تصریح به این نکته است که :

۳۸- Tulane Law Review به نقل از [1963] 377 P2d 897, 27 cal rptr 697, 59 cal. 2d 67, Greenman/Yaba power products inc. شماره ۶۶ سال ۱۹۹۲ صفحه ۱۱۹۰ Review

«مدعی برای جبران خسارات وارده به خود لازم نیست که خطا و یا جهل سازنده و یا فروشنده را ثابت کند».

مطالعه رأی نشان می‌دهد که ملاکی برای مسوولیت سازنده در نظر گرفته شده، ریشه در اعمال و کردار وی ندارد بلکه در خود محصول و ملازم با آنست. این ملاک که باید در خود محصول جستجو شود، چیزی نیست مگر نقص محصول^{۳۹}.

با این تفسیر رژیم مسوولیت جدید با اصل نسبی بودن قراردادها در تعارض قرار نمی‌گیرد و لذا عمومات قانون تجارت که حاوی مسوولیت قراردادی سازنده هستند، برای طرح مسوولیت سازنده مورد استناد واقع نمی‌شوند.

بدین‌گونه جریانی که در سال ۱۹۴۴ شروع شد، در سال ۱۹۶۳ به بار نشست و به تدریج این رژیم از محدوده‌ی ایالت کالیفرنیا فراتر رفته و دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۵ اصول مطروحه توسط این رأی به عنوان فرمول نسبتاً رسمی به سایر ایالات راه

پیدا کرد^{۴۰} و در Restatement Second of Torts (RST) ذیل شماره ۴۰۲ تحت عنوان «مسوولیت اختصاصی فروشندگان محصولات بخاطر خسارات جسمی وارده به مصرف کننده»، درج گردید.

این دستورالعمل مقرر می‌دارد که :

الف : کسی که محصول ناقص یا خطرناکی را - که خطرش برای جان و یا مال مصرف کننده و یا استفاده کننده بیشتر از حد معمول و متعارف باشد- را بفروشد مسئول ضررهای جسمی و مالی است که از این محصول بر استفاده کننده و یا مصرف کننده نهایی آن وارد می‌آید، با دو شرط ذیل :

۱- در صورتی که فروشنده شخص حرفه‌ای باشد به این معنا که فروشنده‌ی حرفه‌ی او قلمداد شود.

۲- در صورتی که محصول بدون تغییرات اساسی بدست مصرف کننده رسیده باشد و این تغییرات قابل پیش بینی برای سازنده نبوده باشد(لذا اگر خریدار تغییراتی در محصول بدهد که برای سازنده غیر قابل پیش بینی باشد، سازنده مسئول نمی‌باشد).

ب - این دستورالعمل قابل اجراست در مواردی که :

۱- فروشنده حتی تمام همت ممکن خود را در جهت تهیه و ارائه محصول سالم بکار گرفته باشد و در اینکار هیچ خطائی را مرتکب نشده باشد،

۲- وقتی که استفاده کننده و یا مصرف کننده از طریق خریدن محصول بر استفاده از آن دست نیافته باشد.

ملاحظه می‌شود که ثالث متضرر می‌تواند مسوولیت سازنده را مطرح ساخته و سبق قرارداد شرط این مسوولیت نمی‌باشد.

هر چند بعضی از ایالات مثل ایالت ماساچوست، دلاویر و میشیگان استدلالات قاضی تراینور را نپذیرفتند و دعوی خواهان را بر مسوولیت قراردادی و بعض دیگر مثل کارولینای شمالی، ویرجینیا، وایمینگ دعاوی را بر مبنای مسوولیت غیر قراردادی مبتنی می‌سازند، ولی تقریباً فرمول رسمی مسوولیت انحصاری محصولات ناقص همان است که ذکر گردید^{۴۱}. به هر حال، در هر کجا که به مسوولیت انحصاری نتوان استناد کرد، دو رژیم سنتی مسوولیت بعنوان جایگزین مبنای مسوولیت سازنده قرار خواهد گرفت.

چه کسانی مسئول می‌باشند

^{۳۹}- To establish the manufacturer's liability it was sufficient that plaintiff proved that he was injured while using the shopsmith in a way intended to be used as a result of a defect in design and manufacture of which plaintiff was not aware that made shopsmith unsafe for its intended use , 27 Cal, rept, 701

^{۴۰}- البته، تلاش‌های رییس جمهور کندی در جهت حمایت از مصرف کننده در این راستا بدون تأثیر نمی‌تواند باشد.

^{۴۱}- P. Marrée, Nouveau développement de la responsabilité du fait des produits en droit américain, Economica شماره ۴۷ ص ۸۰ Paris 1985

محدوده افراد مسئول شامل تمام کسانی می‌گردد که بنا به حرفه خود اشتغال به فروش محصولات مصرفی و یا قابل استفاده دارند چه سازنده باشند و چه فروشنده، فروشنده جزئی و یا کلی. واژه «فروش» که در تعریف اشخاص مسئول بکار رفته، بیانگر این نکته است که اجاره دهنده و یا قرض دهنده و امانت دهنده در زمره اشخاص مسئول واقع نمی‌شوند ولی بنظر آقای Marée تمایل فعلی رویه قضائی آمریکا به سمتی است که «به بازار عرضه نمودن» محصول ملاک مسوولیت واقع شود لذا اگر اتومبیل ناقص به اجاره داده شود، موجر مسئول خسارات ناشی از نقص آنهاست.

در مواردی که تولید کننده‌گان بسیاری جنسی را تحت عنوان واحد به بازار عرضه کرده باشند و بطور نامشخص آن جنس ناقص موجب ضرر شود و معلوم نباشد که جنس مضر محصول کدامیک از تولید کنندگان بوده است، رویه قضائی آمریکا راه حل خوبی را ارائه می‌دهد. این راه حل این است که تمامی تولید کنندگانی که آن جنس را به بازار عرضه کرده‌اند بطور تضامنی مسئول باشند منتها سهم واقعی هر یک در جبران خسارات وارده به متضرر به نسبت سهمی است که در تصاحب بازار آن محصول داشته‌اند.^{۴۲}

چه محصولی ناقص است

Defective condition به این معنا است که محصول در زمان خرید دارای شرائطی بوده که منظور خریدار نبوده و برای وی خطر غیر منطقی و غیر عاقلانه در برداشته باشد.

با توجه به اینکه هر محصولی می‌تواند خطرناک باشد و این بسته به نحوه استفاده از محصول است، که ممکن است محصولی را خطرناک کند^{۴۳} لذا R.S.T. در جهت رفع این اشکال برآمده و خطرناک بودن را به ویژگی غیر عاقلانه (Inreasonable) مقید می‌سازد.

این قانون مقرر می‌دارد که «خطرناکی» محصول فروخته باید تجاوز کند از حدی که مصرف کننده معمولی با علم متعارف بر ویژگی‌های محصول که مشترک در میان تمام ایالات عضو است. لذا اگر از این حد تجاوز نمود مثلاً برای کشف خطر ابزار و تکنیک خاصی لازم بود که عموم مردم از تهیه و استفاده از آن عاجز بودند، خطری غیر عاقلانه محسوب می‌گردد. لیکن خطر محصولی که برای همه واضح است و یا چاره ناپذیر^{۴۴} (مثل محصولات دارویی) است، خطر غیر منطقی و غیر عاقلانه محسوب نمی‌گردد.

داروها علی‌رغم تهیه دقیق و مطابق با موازین علمی و حتی همراه با اطلاعات لازم در جهت مصرف آن که با این ترتیب نه ناقص بوده و نه خطرناک، مع هذا خطر جانی (Harm) در بردارند لذا اضافه لفظ عقلاً در مورد خطرناک بودن اینست که خطرهایی که عقلاً محال نیست را خارج سازد.

اما نسبت به داخل بودن محصولات بدن آدمی مثل خون و مغز استخوان و یا جوارحی که به منظور پیوند در بدن دیگری بکار می‌روند در کادر محدوده محصولات ناقص اختلاف نظر وجود دارد مثلاً اگر خون حاوی ویروس ایدز به کسی تزریق شد، آیا می‌توان به مواد مربوط به مسوولیت انحصاری استناد نمود؟ در سال ۱۹۷۰ دادگاه عالی Illionis در رأی Cunigham خون را نیز داخل این محصولات نمود ولی سائر ایالات عضو این رأی را قبول نکردند با این استدلال که خطر این محصولات چاره‌ناپذیر است لذا تنها در صورت ارتکاب خطا مسوولیت بیمارستان مطرح می‌شود.

در خصوص نرم‌افزارهای کامپیوتری راه‌حل خوبی در این کشور توسط رویه قضائی پیشنهاد گردیده است بدینصورت که اگر نرم افزار بصورت تولید انبوه به بازار عرضه گردد، محصول محسوب شده و قوانین مربوط به مسوولیت انحصاری می‌توانند در آن

^{۴۲} - این راه حل به Market Share Liability مشهور است. در هلند منجر به صدور رأی دیگری شده است. برای ملاحظه مثال‌ها و گونه‌های مختلف این راه حل رجوع کنید به رساله دکتری فوق الذکر از نویسنده جلد ۲ صفحه ۳۶۷ تا ۳۷۶

^{۴۳} - مثلاً بر اساس همین استدلال در آمریکا حمل سلاح برای دفاع شخصی مجاز است. استدلال مجوزین این است که این نحوه استفاده از سلاح است که می‌تواند آنرا خطرناک کند مثلاً یک اتومبیل هم که بنا به طبیعت خود خطرناک نیست، می‌تواند در صورت استفاده غیر عاقلانه، خطرناک شود.

^{۴۴} - Unavoidably unsafe products

خصوص اجرا شوند. ولی اگر نرم‌افزار بنا به سفارش فرد و یا شرکت خاصی تهیه شده باشد، در آن صورت خدمت محسوب شده و قوانین عمومی مسوولیت قراردادی و یا غیر قراردادی در باره آن مجری خواهد بود.^{۴۵}

متضرر کیست؟

افراد حمایت شده توسط قانون کسانی هستند که رابطه تنگاتنگی با محصول دارند بدین گونه که یا از آن برای خود و یا برای استفاده دیگری بهره می‌جویند. چه آن محصول را در طی یک رابطه قراردادی بدست آورده باشند چه ثالث از قرارداد باشند.

در هر صورت اگر متضرر خود در بروز خسارت شرکت داشته باشد (Contributory negligence) و این شرکت وی بمنزله قبول خطر (Assumption of risk) تلقی گردد، در این صورت متضرر هیچ حقی برای جبران خسارات خود ندارد. همئنین در صورت استفاده غیر مناسب از محصول و یا فاسد و تباہ نمودن آن توسط متضرر حق وی علیه سازنده ساقط می‌گردد لازم به گفتن است که خطای متضرر مستقلاً مد نظر دادگاه‌ها قرار نگرفته است و همیشه بنحوی عنصر نقص محصول مورد توجه قرار گرفته است.

ضررهای قابل جبران

مسوولیت انحصاری نیز مانند مسوولیت قراردادی و ضمان قهری (Torts) ضررهای جسمی و مالی را که در یک رابطه نزدیک با محصول قرار می‌گیرند را شامل می‌گردد (Proximately relating) چه خسارات مستقیم باشند و چه غیر مستقیم^{۴۶} اما در مورد خسارات صرف اقتصادی (Consequential pure economic loss) اختلاف نظر وجود دارد. منظور از این خسارات :

اولاً " خسارات وارده به خود محصول (Cost of repair) و

ثانیاً "عدم النفعی است که در صورت عدم استفاده از محصول به خریدار مصرف کننده وارد می‌آید.

رأی دادگاه عالی نیوجرسی در سال ۱۹۶۵^{۴۷} استدلال می‌کند به اینکه وجود یک محصول در بازار نه تنها باید سالم و بی‌خطر بوده بلکه باید برای منظور مورد استفاده نیز مناسب باشد. (Suitable for the intended use) لذا اصول مطروحه در رأی Hemningsen را تکرار نموده و این گونه خسارات را در زمره خسارات قابل جبران می‌داند. و لیکن قاضی تراینور آنها را قابل جبران ندانسته مگر در جایی که یک نحوه نمایندگی مشروح (Express representation) در کار باشد. لذا اگر رابطه قراردادی بین مدعی و منکر وجود نداشته باشد، نمی‌توان این خسارات را قابل جبران دانست چرا که این خسارات ربطی به امنیت عمومی ندارند.

بنظر می‌رسد نظریه اخیر منطبق تر با موازین مسوولیت انحصاری باشد زیرا این رژیم مسوولیت به خصوص برای پوشش دادن خسارات ناشی از نقص محصول است که خارج از روابط قراردادی دارای اثر می‌باشد ولی خساراتی که به خود محصول وارد می‌آید، اگر در مدت گارانتی بوده قابل جبران و الا غیر قابل جبران می‌باشد. بدین ترتیب سبق وجود قرارداد جهت استناد بدان برای این گونه خسارات حتمی به نظر می‌رسد.

عبدالرسول دیانی

دکتر در حقوق خصوصی ۱۳۷۶-۱-۲۸

منابع و مأخذ این مقاله :

1- Perrine Dupin DE SAINT-CYR-MAREE, La réparation des atteintes à la sécurité des consommateurs en droit américain, Sécurité des consommateurs et responsabilité du fait des produits défectueux, Colloque des 6 et 7 Nov. 1986 sous la direction de J. GHESTIN LGDJ Paris 1987, p. 91

^{۴۵} - رجوع شود به منبع شماره 6

^{۴۶} - Incidental or direct and consequential injurs

صفحه ۱۲۰۸ Tulane Law Review 1992 بنقل از (N. J. 1965) 207 A. 2^d 305 -^{۴۷}

- 2-Gilles PETITPIERRE, La responsabilité du fait des produits, les bases d'une responsabilité spéciale en droit suisse à la lumière de l'expérience des Etats-Unis رساله فوق لیسانس چاپ شده توسط دانشکده حقوق ژنو در سال ۱۹۷۴
- 3-Hartwin BUNGERT, Compensating harm to the defective product itself - A comparative analysis of american and german products liability law, Tulane Law Review vol. 66 1992 p. 1179=>1266
- 4- Gray M. SHUBERT, La responsabilité du fait es produits aux Etats-Unis, Cahiers Juridique et Fiscaux de l'Exportation (CJFE), Articles, n° 2-1991 p. 537
- 5-Jean-Luc REVERENAUULT, Le logiciel et le droit de la responsabilité aux Etats-Unis, CJFE, Articles, n° 5, 1994 p. 1063
- 6- Rosana DACTYLIDIS, La responsabilité du fait des produits aux Etats-Unis : aspects juridiques, Le droit et pratique du commerce international, n° 4-1992, vol. 18, ESI publications
- 7- Reid FELDMAN, Etats-Unis : Les moyens de limiter les risques de la responsabilité clauses contractuelles, structures de commercialisation et acquisition d'entreprises américaines, CJFE n° 1-1996, p. 43
- 8-Marc BABION-JAUBERT & Sophie MOYSEN, Etats-Unis : L'assurance de la responsabilité civile produits, CJFE, n° 1-1996, p. 15
- 9- René DAVID, Les grands systèmes de droit contemporain, Précis Dalloz éd. 1993 par Mlle Camille ESPINOSI این کتاب توسط آقایان دکتر صفائی و دکتر عراقی و دکتر آشوری به فارسی برگردان شده است
- 10- Restatement Second of Torts (R.S.T.)
- 11-Olivier FRAYSSE, Justice et société aux Etats-Unis, Problèmes Juridiques et Sociaux n° 695, 8.01.1993
- 12-Guy GASPARD, L'état du droit aux Etats-Unis, J.C.P., Cahiers de droit de l'entreprises n° 3, 1985
- 13- W. PROSSER, The warranty of merchantable quality, 27 Minnesota L.R. (1943)
- 14- Yvon MARKOWITS, La directive C.E.E. du 25 juillet 1985 sur la responsabilité du fait des produits défectueux, 1990 éd. LGDJ, Paris
- 15- Olivier GUILLOD & Audrey LEUBA, Causalité alternative et responsabilité du fait des produits: un pour tout, tous pour un, European Review of Private Law, 2-1994 p. 452-461
- 15- Pierre MAREE, Nouveaux développements de la responsabilité du fait des produits en droit américain, Economica 1985 Paris
- 16- Marie-Hélène, FORGET, Etats-Unis : Vers une réforme du droit de la responsabilité du fait des produits, CJFE, n° 1/1996 p. 5
- 17-Sтивен H. Gifis, Law dictionary 3^{ème} éd. Barron's educational series, Inc. 1991